



بررسی اشیاء مرتبط با نساجی جنوب غرب ایران در دوران روستانشینی (۸۰۰۰-۴۰۰۰ ق.م)

طیبه الماسی^۱

دانش آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان/ پژوهشگر آزاد

فاطمه رحمانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

 <https://doi.org/10.22034/ciom.2024.713659>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

نوع مقاله: پژوهشی، صص ۷-۳۱

چکیده

بررسی چگونگی تغییر از جوامع ساده به جوامع با ساختار پیچیده بسیار دشوار است. یکی از روش‌های ارزیابی، بررسی تغییراتی است که نشان‌دهنده حرکت به سوی پیچیدگی است. این پیچیدگی از طریق ویژگی‌های مختلفی که بعضی از آن‌ها در یافته‌های باستان‌شناسی قابل مشاهده هستند، مشخص می‌شود. منسوجات یکی از این یافته‌هاست که در ابعاد زندگی مادی جوامع پیش از تاریخ نقش مهمی داشته است. تولید منسوجات رابطه مستقیمی با رشد دامداری و کشاورزی و شکل‌گیری طبقه متخصصان در جامعه پیش از تاریخی دارد که مبتنی بر پیچیدگی‌های اجتماعی آن جامعه است. یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به تولید منسوجات در سراسر سه دوره روستانشینی به فراوانی از محوطه‌های جنوب غربی ایران به دست آمده است. بیشتر این یافته‌ها شامل وزنه‌های بافندگی، قرقره‌های بافندگی، سردوک‌ها، سوزن و درفش‌های استخوانی در کنار بقایای متعددی از اثر حصیر و پارچه است که در این مقاله معرفی می‌شوند. مطالعه داده‌های مرتبط با نساجی، رعایت قوانین و الگوهای مشخص مکانیکی در ساخت آن‌ها را نشان می‌دهد. این موضوع نشان‌دهنده پیشرفت،

1.tayebbeh.almasi@yahoo.com

تکامل تدریجی و رسیدن به سطحی از تخصص در ساختن ابزار و همچنین افزایش در تولید منسوجات در اواخر دوره روستانشینی است. ابزار نساجی مورد مطالعه در این پژوهش، تمامی ابزار مورد استفاده در دوره روستانشینی نیستند، اما سعی بر آن شده تا اکثر یافته‌های منتشر شده مورد مطالعه قرار بگیرد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای است.

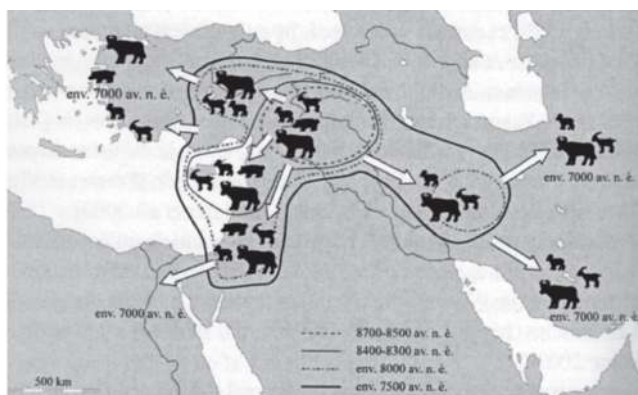
واژگان کلیدی: جنوب غرب ایران، دوره روستانشینی، نساجی، سردوک، وزنه بافندگی.

مقدمه

در آغاز شکل‌گیری اجتماعات بشری و در جوامع اولیه، پوشاک نقش حفاظتی را برای مصون نگه داشتن بدن انسان در برابر شرایط محیطی و آب و هوایی داشته است. با گذشت زمان، استفاده کاربردی صرف منسوجات تغییر کرده و نه تنها برای محافظت از بدن به کار رفته، بلکه با ذوق و تنوع‌طلبی انسان همراه شده و مفاهیم جدیدی یافته است.

تولید منسوجات ارتباط مستقیم با اهلی‌سازی حیوانات و گیاهان دارد. در مطالعات باستان‌شناسی پیشینه تولید منسوجات در محدوده

هلال حاصل‌خیز نشان می‌دهد که تولید پشم و الیاف گیاهی با تاریخ اهلی‌سازی حیوانات و گیاهان پیوند دارد. کهن‌ترین شواهد از اهلی‌سازی گوسفند و بز از جنوب غرب ترکیه، دامنه‌های شرقی توروس، مربوط به نیمه دوم هزاره نهم ق.م به دست آمده است (Breniquet, 2014:53) (شکل ۱).



■ شکل ۱. منطقه هلال حاصل‌خیز (Breniquet, 2014:54)



تفکر غالب، پشم را قدیمی‌ترین ماده اصلی نساجی در بین‌النهرین می‌داند، اما این امر نیاز به بازنگری دارد؛ چرا که الیاف گیاهی مدت‌ها قبل از پشم در دوران پارینه‌سنگی در اروپا و غرب آسیا فراوری می‌شد. به عنوان نمونه حدود ۱۷۰۰۰ ق.م در محوطه اوهالو^۱ II در فلسطین بقایای ریسمان از الیاف گیاهی به دست آمده است (Ibid:54). با اهلی‌سازی گیاهان و جانوران تعداد دهکده‌ها به سرعت



افزایش یافته و بدون وقفه در نواحی مستعد برای کشاورزی دیم گسترده شدند. همزمان با توسعه کشاورزی آبی دشت‌های پست منطقه مورد استقرار قرار گرفت و در چندین ناحیه زیستگاه‌های وسیع با بناهای مذهبی پدیدار شد. سلسله‌مراتب اجتماعی، نقش‌های ویژه اجتماعی و ارتباطات اقتصادی گسترده، تحولاتی بود که منطقه جنوب غرب ایران به‌عنوان عنصری سازنده در آن سهیم بود (هول، ۱۳۸۱: ۵۰). پژوهش‌های باستان‌شناسی مرتبط با نساجی با عنوان باستان‌شناسی نامرئی شناخته می‌شود.

باستان‌شناسی نامرئی (Invisible in Archaeology) عنوانی است که اِوا اندرسون^۱ برای مواد فرهنگی با قابلیت تجزیه بالا که در کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی به ندرت یافت می‌شود، به کار برد. او برای مطالعه این مواد فرهنگی بر ابزار و اشیاء وابسته به آن تأکید دارد (Breniquet, 2014: 55). از این رو فرایند تولید منسوجات نیازمند توجه به سه ویژگی است: ۱. مواد مورد نیاز برای نساجی مانند پشم، در اقتصاد مبتنی بر رمه‌داری به‌راحتی در دسترس و قابل حمل بوده است. ۲. تولید الیاف در هر زمان قابل انتقال از خانه به چادر یا مکانی دیگر بوده است. در واقع این بدان معنی نیست که تمامی مراحل تولید منسوجات در یک مکان صورت گرفته است، بلکه ممکن است یک یا چند مرحله در یک مکان و باقی در مکانی دیگر انجام شده باشد. ۳. از مشکلات اساسی در مطالعه منسوجات، تجزیه سریع آنهاست، اما می‌توان از ابزارهای تولید منسوجات به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی شیوه نخ‌ریسی و بافندگی را بررسی و مطالعه کرد (حصاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۵). به‌عنوان مثال برای رسیدن نخ نازک از سردوک‌هایی با قطر کم و برای ریسندگی الیاف ضخیم و خشن از سردوک‌هایی با قطر بیشتر استفاده می‌شود (Barber, 1991).

هدف از این پژوهش مطالعه، معرفی و بررسی اشیاء مرتبط با نساجی و ارائه تصویری روشن از صنعت نساجی دوره روستانشینی در جنوب غرب ایران، با بررسی جنبه‌های کمی و کیفی ابزار نساجی به‌دست‌آمده از حفاری محوطه‌های علی‌کش، سبز، جعفرآباد، شوش، چغامیش، بندبال، جوی، چغانوت، فروخ‌آباد و چغاسفید است. در این پژوهش بازشناسی عملکرد ابزار مرتبط با تولید منسوجات دوره روستانشینی جنوب غرب ایران با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناسی انجام می‌شود. هدف از پژوهش حاضر پرداختن به پرسش‌های پیش‌روست: چگونه می‌توان کارکرد برخی اشیاء به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی مرتبط با نساجی را تشخیص داد؟ تولید منسوجات در ساختارهای اجتماعی دوره روستانشینی جنوب غرب ایران چه تأثیری داشته است؟ پژوهش پیش‌رو مبتنی بر مطالعات تطبیقی با رویکرد توصیفی-تحلیلی از یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه‌های دوره روستانشینی جنوب غرب ایران است و به روش کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد.



پیشینه مطالعات باستان‌شناسی با محوریت نساجی

پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد کارکرد ابزار نساجی در جوامع پیش از تاریخ صورت گرفته است، بسیار محدود و عمدتاً مربوط به پوشاک دوران تاریخی است. از پژوهش‌های قابل توجه و به عبارتی پیشگام در این زمینه می‌توان به پایان‌نامه مجید محمد یارلو، تحت عنوان "بررسی موردی سردوک‌های به‌دست‌آمده از کاوش محوطه چهارآرو و مقایسه آن با سردوک‌های هم عصر آن در دوره مس و سنگ"، اشاره نمود، که در مقاله مستخرج از آن، بررسی و تحلیل نقش، شکل و گونه‌شناسی سردوک‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌های محوطه چهارآرو انجام شده است (حصاری، ۱۳۹۲). مطالعات سیدسجادی بر داده‌های به‌دست‌آمده از کاوش شهرسوخته (سیدسجادی، ۱۳۸۹)، کتاب "تاریخ پارچه و نساجی در ایران" (طالب پور، ۱۳۸۶)، کتاب "صنایع دستی کهن در ایران" (وولف، ۱۳۷۲)، کتاب "هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی" (غیبی، ۱۳۸۸)، کتاب و مقالات متعدد نوشته خانم باربر به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مطالعاتی منسوجات و ابزار نساجی در طول دوره‌های پیش از تاریخ (Barber, 1991) و مطالعات صورت گرفته از سوی اندرسون در زمینه وزنه‌های تولید منسوجات و سردوک‌های نخ‌ریسی (Andersson, 2014) از دیگر منابع مطالعاتی در مورد نساجی است. مهم‌ترین مطالعات و بررسی‌های مرتبط با این موضوع در سال‌های اخیر به وسیله محققان مرکز مطالعات بین‌المللی نساجی (CTR) در دانمارک انجام شده است (<https://ctr.hum.ku.dk>). این مرکز مطالعاتی به پژوهش و بررسی در زمینه تولید منسوجات در کشورهای مختلف طی دوره‌های پیش از تاریخ و تاریخی می‌پردازد.

منابع مطالعاتی تولید منسوجات در جنوب غرب ایران

بازسازی زنجیره تولید منسوجات در دوره پیش از تاریخ نیازمند بررسی چند گروه از منابع است. این منابع عبارت‌اند از یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به ابزار، بقایا و اثر منسوجات، داده‌های جانورباستان‌شناسی، داده‌های گیاهباستان‌شناسی، منابع تاریخی و مکتوب، منابع تصویری و داده‌های قوم‌باستان‌شناسی و تجربی (Gleba, 2011).

۱. معرفی اشیاء مرتبط با نساجی براساس داده‌های باستان‌شناسی

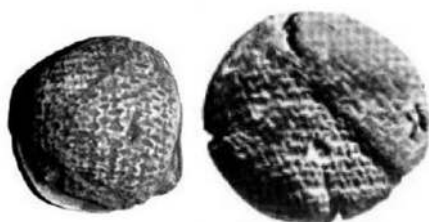
الیاف

براساس مدارک و داده‌های باستان‌شناسی و مطالعات آزمایشگاهی، یکی از مهم‌ترین الیاف‌ها پشم گوسفند است. این الیاف از آغاز دوره نوسنگی در تولید منسوجات استفاده می‌شده است. یافته‌های



باستان‌شناسی در محوطه‌های تپه سراب (کرمانشاه)، تپه چای اونو (ترکیه) و تسالی (یونان) بر اهلی کردن گوسفند به وسیله انسان در فاصله ۹۰۰۰ تا ۷۰۰۰ ق.م تأکید دارد (Barber, 1999: 24). اولین شواهد مستقیم برای استفاده از الیاف پشم گوسفند در نساجی از شهر سوخته، در جنوب شرق ایران (Good, 1999) و نوسوبد نایا^۱ در قفقاز شمالی (Shishlina et al, 2003) متعلق به هزاره چهارم قبل از میلاد به دست آمده است. مطالعات ژنتیکی و ترکیب خونی نوعی قوچ کوهی (Muflon)^۲ نشان می‌دهد که این گونه قوچ وحشی و انواع دیگری از گوسفندان وحشی در آغاز هزاره نهم اهلی شده و تحت کنترل انسان درآمده‌اند. یافته‌های باستان‌شناسی در غار کمر بند، زاوی شمی و شنیدار نشان‌دهنده پرورش گوسفند اهلی است. گوسفندان به دو منظور، یکی برای استفاده از گوشت و دیگری برای استفاده از پشم آن‌ها پرورش داده می‌شده‌اند. این شیوه اکنون نیز در میان دامداران سنتی ایران رایج است. علاوه بر پشم گوسفندان از کرک بز نیز در تولید محصولات نساجی استفاده می‌شود (وولف، ۱۳۷۲: ۱۵۷-۱۵۸).

دومین الیافی که در دوره نوسنگی در تولید منسوجات استفاده می‌شد، کتان است (وولف، ۱۳۷۲: ۱۵۹). نخستین شواهد کشت کتان از دوره نوسنگی بدون سفال (PPNB)، از تل اسود^۳ در سوریه مربوط به ۸۰۰۰ ق.م به دست آمده است (Miller, 1991: 142). شواهد نشان می‌دهد کتان وحشی پیش از این در ارتفاعات و دره‌های زاگرس رشد می‌کرده، اما در جغرافیای دشت دهلران امکان رشد کتان وحشی فراهم نبوده است. با این حال در فازهای بزم‌رده، علی‌کش و محمدجعفر بقایای دانه کتان مشاهده شده است که این موضوع فرضیه تماس تجاری و واردات دانه گیاه را تقویت می‌کند (Hole, Flannery & Neely, 1969: 397). بعدها با رشد کشاورزی کتان اهلی از تپه سبز همزمان با فاز انتقالی چغامامی (CMT)، متعلق به ۵۵۰۰ تا ۵۰۰۰ ق.م به دست آمده است (Ibid: 355). اولین مدارک مسلم تولید منسوجات با استفاده از الیاف گیاهی در لایه‌های باستانی هزاره هفتم و ششم قبل از میلاد



■ شکل ۲- اثر حصیر و پارچه به دست آمده از محوطه جارمو (Adovasio, 1977: 224)

تپه علی‌کش (Hole, Flannery & Neely, 1969: 36)، چاتال هویوک (Helbaek, 1963; Burn-)، جارمو در کوه‌های زاگرس (Adovasio, 1977) (تصویر ۲) و نهال حمار^۴ در فلسطین (Schick, 1998)، به دست آمده‌اند. این مدارک به صورت اثر بافت حصیر، بوریا و سبد است که بر روی کف فضاها و مسکونی

1- Novosvobodnaya

۲. گونه‌ای از قوچ وحشی شمال غربی ایران و از انواع فرعی گوسفند اهلی است.

3- Tell Aswad

4 - Nahal Hemar

باقی مانده است.

سومین الیاف گَنَف است که در دوره پارینه‌سنگی جدید و نوسنگی قدیم به‌عنوان ماده غذایی مصرف می‌شده و از الیاف آن در تولید منسوجات استفاده می‌شده است (Barber, 1991: 12).



■ شکل ۳- نمونه دوک و سردوک (موزه هنر سیکلادیک، آتن، یونان)

سردوک

اولین وسیله مورد استفاده در تولید منسوجات، دوک نخ‌ریسی است. دوک از دو بخش سردوک و میله تشکیل می‌شود که این بخش‌ها عمدتاً از جنس گل پخته یا سنگ، ساخته و شکل داده شده‌اند (بیک محمدی و دیگران، ۱۳۹۹):

۸) (شکل ۳). از نظر ریخت‌شناسی تنوع سردوک‌های گلی به دلیل انعطاف‌پذیری

گل بیشتر از سردوک سنگی است. سردوک‌ها در اندازه‌های مختلف بین ۳ تا ۶ سانتی‌متر و ضخامت بین ۲ تا ۴ سانتی‌متر در اشکال تخت، نیم‌دایره‌ای و مخروطی دو طرفه است.

مهم‌ترین خواص مکانیکی سردوک‌ها وزن، ضخامت و قطر است که در ایجاد نیروی گریز از مرکز، افزایش و حفظ سرعت چرخیدن نقش اصلی را ایفا می‌کنند. سردوکی که قطر کمتری دارد، نیروی گریز از مرکز بیشتر و در نتیجه سرعت بیشتری در چرخش دارد؛ بنابراین نخ تولیدشده محکم‌تر و دارای پیچش بیشتری در هر واحد از سانتی‌متر است. وزن نیز یکی از عوامل مهم در میزان سرعت چرخش سردوک است. به هر میزان که وزن سردوک بیشتر باشد، سرعت چرخیدن افزایش پیدا می‌کند. سردوک‌های سنگین برای الیاف بلندتر مانند کتان و سردوک‌های سبک برای ریسیدن الیاف کوتاه‌تر مانند پشم مناسب هستند (Barber, 1991: 52).

نحوه استفاده از دوک به صورت معلق و ثابت در ویژگی‌های نخ تولیدشده تأثیر قابل توجهی دارد. دوک‌های ثابت نسبت به دوک‌های معلق کشش کمتری در فرایند ریسندگی اعمال می‌کنند. در نتیجه برای تولید نخ‌های نازک مناسب‌تر هستند. دوک‌های معلق در تولید نخ‌هایی که به کشش و استحکام بیشتری نیاز دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند (Chmielewski & Gardyński, 2010).

به استناد یافته‌های باستان‌شناسی نخستین دهکده‌های پیش از تاریخ که در آن‌ها سردوک‌هایی متعلق به فاصله زمانی ۷۵۰۰ تا ۳۵۰۰ به دست آمده، مربوط به محوطه‌های علی‌کش، جعفرآباد، چشمه‌علی ری، حاجی فیروز، دالما تپه، تپه پیزدلی، تپه سه‌گابی و تل باکون BII است (Barber, 1991: 305).

وزنه بافندگی



بررسی اشیاء مرتبط با
نساچی جنوب غرب
ایران در دوران
روستائینی



■ شکل ۴- وزنه‌های تولید منسوجات از جنس سنگ آهک و بازالت، به دست آمده از تل ابوالخراض در اردن (Fischer, 2008).

■ شکل ۵- بازطراحی یک نمونه داربافندگی (Verberg, 2016:16)

وزنه‌های تولید منسوجات یکی از فراوان‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی از محوطه‌های دوره روستانشینی جنوب غرب ایران هستند. وزنه‌های بافندگی برای کنترل تنش رشته‌های نخ تار در دستگاه بافندگی عمودی به کار می‌روند. برخی از وزنه‌ها از جنس قلوه سنگ رودخانه‌ای و برخی دیگر نمونه پرداخت شده هستند. وزن، قطر، اندازه و قطر سوراخ وزنه از مهم‌ترین متغیرهای فیزیکی تأثیرگذار در کاردکرد وزنه‌های بافندگی است (Hoffman, 1964:20) (شکل ۴). وزنه‌های سنگین برای بافتن پارچه‌هایی با نخ‌های ضخیم و قطور و وزنه‌های سبک برای بافتن پارچه‌هایی با نخ‌های نازک و ظریف استفاده می‌شوند. داده‌های قوم‌نگاری (Médard, 2000:88-97) و مطالعات محققان مرکز مطالعات نساجی دانمارک (Mårtensson et al, 2009)، نشان می‌دهد انتخاب وزنه‌های بافندگی با ضخامت و وزن‌های متفاوت بر کیفیت پارچه تأثیرگذار است.

در ادبیات باستان‌شناسی، تعداد بسیاری وزنه‌های سفالی (Laurito et al. 2014:157) و سنگی که از محوطه‌های باستانی به دست می‌آیند، با عنوان وزنه‌های تولید منسوجات شناخته می‌شوند. کاربردهای دیگری مانند وزنه‌های ماهیگیری و پاشنه در برای این اشیا ذکر شده، اما بارزترین ویژگی‌هایی که کاربرد این وزنه‌ها را به عنوان وزنه تولید منسوجات از دیگر کاربردها متمایز می‌کند، عبارت‌اند از: ۱- بستر یا محل کشف اشیا (سنگ وزنه‌ها عموماً از فضای مسکونی به دست آمده‌اند که اگر کاربرد وزنه ماهیگیری را داشتند، باید در همان کنار رودخانه یا رود رها می‌شدند؛ به‌ویژه در نمونه‌های شکسته‌شده) ۲- علائم و نشانه‌هایی که در جریان استفاده ایجاد شده (نحوه شکستگی سنگ وزنه‌ها نشان می‌دهد که الگوی سایش آنها قرقره‌ای شکل در حالت معلق و به‌دنبال آن وارد

شدن بارهای طنابی در حرکت مداوم رشته‌های نخ است. در حالی که در کارکرد پاشنه در، سایش

تنها در یک طرف سنگ و شکستگی همراه با خرد شدگی سنگ است). ۳- شواهد قوم باستان‌شناسی است (شکل ۵).



■ شکل ۶- قرقره بافندگی به دست آمده از شوش (موزه شوش)

قرقره بافندگی

قرقره‌های بافندگی به گروهی از اشیاء سفالی، گلی و استخوانی، با حداکثر طول ۱۰ سانتی‌متر و وزن بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ گرم گفته می‌شود که برای نگه‌داشتن یا عبور نخ از آن استفاده می‌شود (شکل ۶). این اشیاء استوانه‌ای شکل طی استفاده به تدریج فرسایش یافته و شکل قرقره‌ای پیدا می‌کنند (Mazare, 2013:33).

قرقره‌ها در فرم‌های مختلفی‌اند که عمده آن‌ها قرقره‌های با انتهای صاف، محدب، معقر، دیسکی شکل، مستطیلی و مثلی شکل هستند.



■ شکل ۷- عمل پودگذاری در رشته‌های تار (Mårtensson, 2007).

درفش، سوزن و پودکش

استفاده از سوزن و درفش در تولید منسوجات به دوره پارینه‌سنگی برمی‌گردد. سوزن برای دوختن و متصل کردن قطعات پارچه، سبد، حصیر و همچنین برای تولید منسوجات به کار می‌رفت. متداول‌ترین ماده اولیه برای تولید سوزن و درفش، استخوان و فلز است (Chase et al, 2008:128).

برای تولید سوزن و درفش استخوانی عموماً از بخش دیافیز^۱ استخوان پستاندارانی چون گوسفند و بز استفاده می‌شد که در مواردی بخش انتهایی استخوان^۲ نیز وجود داشت (Andersson, 2014:130). سوزن‌های استخوانی نازک برای دوخت پارچه‌های ظریف و سوزن استخوانی بزرگ‌تر برای دوخت پارچه‌های درشت‌تر و ضخیم‌تر استفاده می‌شد (Andersson, 2014:49). پودکش وسیله‌ای است که در عمل پودگذاری بین رشته‌های تار استفاده می‌شود (شکل ۷). این



بررسی اشیاء مرتبط با
نساجی جنوب غرب
ایران در دوران
روستائیشینی

وسیله عمل پودگذاری را آسان و سرعت تولید منسوجات را بالا می‌برد. پودکش‌ها در دوره پیش از تاریخ عموماً از جنس چوب، استخوان و فلز ساخته می‌شد.

۲. منابع مکتوب

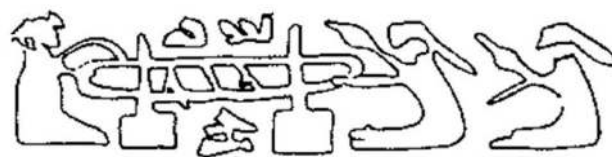
در هزاره پنجم منسوجات نقش محوری در تجارت راه دور و نزدیک داشته و بخش جدایی‌ناپذیری از اقتصاد محلی و منطقه‌ای در جنوب غرب ایران محسوب می‌شدند (Bier, 1995). تولیدات نساجی مانند لباس، حصیر، سبد و ابزارهای مربوط به نساجی به عنوان بخشی از هدایای تدفین دارای اهمیت اجتماعی و مذهبی بود که نمونه آن را در یکی از تدفین‌های محوطه علی‌کش (۷۵۰۰-۵۴۰۰)، در دهلران شاهدیم (Hole, Flannery and Neely 1969:205-210).

در متون آشوری به صادرات منسوجات، قلع و گاهی لاجورد و صدف به آناتولی و همچنین به واردات نقره و طلا اشاره شده است. تقاضا برای منسوجات در آناتولی باعث شد تا منسوجات پشمی و کتان در بابل تولید و صادر شود. یکی از این الواح اسناد مربوط به تجارت بازرگانان آشور قدیم (۱۸۰۰-۱۹۰۰ ق.م) با کانش (Kanesh) -محوطه کول‌تپه در آناتولی- است. این الواح به توصیف واردات پارچه پشمی به آناتولی به وسیله بازرگانان آشوری در ازای طلا، نقره و قلع پرداخته‌اند و همچنین فعالیت‌های روزانه مربوط به تولید پارچه، مقدار خرید و فروش، تراز اجناس و قراردادهای آنها ثبت شده است (Dercksen, 2014:101-102).

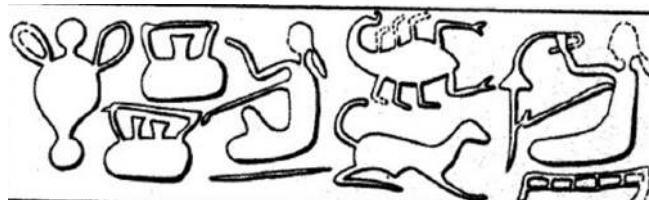
۳. منابع تصویری

در پیشینه و سابقه استفاده از منسوجات، می‌توان به منابع تصویری چون مهر و اثر مهر، نقوش و پیکره‌ها اشاره کرد. منسوجات در صورتی که در مجاورت موادی مانند قیر یا گل رس قرار بگیرند، اثر چاپ منفی آنها حفظ می‌شود. کهن‌ترین شواهد مربوط به بافت پارچه در خاور نزدیک در واقع

■ شکل ۸- سه زن در کنار دستگاه بافت پارچه، اثر مهر کشف‌شده از تپه چغامیش (Barber, 1999).



■ شکل ۹- زنی در حال ریسندگی با دوک، اثر مهر کشف‌شده از تپه چغامیش (De loughaz & Kantor, 1996- plate:146).



همین نمونه‌ها هستند. به عنوان مثال می توان به نمونه‌های اثر حصیر، سبد و پارچه به دست آمده از محوطه‌های جارمو (۷۰۰۰ ق.م) عراق (Adovasio, 1977) (شکل ۲) و محوطه نوسنگی تل هلولاً در سوریه (Alfaro, 2002) اشاره کرد. از نمونه‌های مطالعاتی در منابع تصویری می توان به جنس و طرح لباس اشخاص در نقاشی دیواری تل برسیپ (Til Barsip)، در نینوا (Albenda, 2005: 56-65) و نقش برجسته آنوبانی نی^۲ در سرپل ذهاب مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد (واندنبرگ، ۱۳۹۷: ۱۲) اشاره کرد.

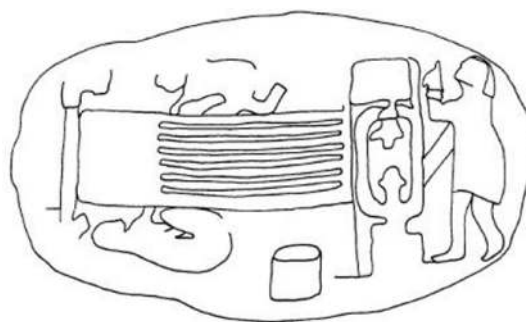
در یک مهر استوانه‌ای به دست آمده از محوطه چغامیش، تصویر سه زن در حال نخ‌ریسی با دوک بلند نشان داده شده است (طالب پور، ۱۳۸۶) که دو نفر آن‌ها ظاهراً در کنار یک دستگاه بافت پارچه نشسته‌اند و زن سمت راست که دورتر نشسته، با نوعی دوک بلند نخ‌ریسی می کند. در اثر مهر دیگری از چغامیش تصویر زنی در حال ریسندگی در کنار حیواناتی چون سگ و عقرب نمایش داده شده است (Barber, 1991: 56-57) (اشکال ۸ و ۹).

یکی دیگر از منابع تصویری اثر مهر به دست آمده از شوش مربوط به ۳۰۰۰ ق.م است. در این اثر مهر، یک دستگاه دار بافندگی افقی و دو بافنده در دو طرف دار، تصویر شده است (Wild, 2003: 46). نقش دار بافندگی در دوره آغاز شهرنشینی بر روی مهرها نشانگر تولید منسوجات به عنوان یک حرفه است (شکل ۱۰).

لوح نیمه برجسته زن ریسنده مربوط به دوره عیلام جدید، تصویر بانویی با دوک نخ‌ریسی است که در مقابل او ظرف غذایی حاوی ماهی و نقوشی دایره‌ای شکل (احتمالاً نان) قرار گرفته است (Barber, 1991) (شکل ۱۱).



■ شکل ۱۱- شاهزاده عیلامی به همراه ندیمه‌اش در حال ریسندگی (Barber, 1999).



■ شکل ۱۰- اثر مهر به دست آمده از شوش، دار بافندگی افقی (سیدسجادی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).



بررسی اشیاء مرتبط با
نساچی جنوب غرب
ایران در دوران
روستانشینی

چارچوب تاریخی- فرهنگی دوره روستانشینی جنوب غرب ایران

منطقه جنوب غربی ایران دربرگیرنده استان خوزستان و بخش‌هایی از استان ایلام است که از مناطق شاخص فرهنگی فلات ایران در دوران پیش از تاریخ و تاریخی به شمار می‌آید. این منطقه در دوران تاریخی خاستگاه اصلی شهرنشینی، خط و ایجاد حکومت‌های متمرکز است (طلایی، ۱۳۹۰: ۹۱). محیط طبیعی و زیست‌بوم منطقه دارای پتانسیل‌های بالقوه‌ای است که موجب شکل‌گیری دو الگوی معیشتی کشاورزی و دامداری در کنار هم از دوره پیش از تاریخ تا دوران تاریخی شده است. در چند دهه اخیر مطالعاتی به‌منظور بررسی نظریه‌های مختلفی ازجمله زمینه‌های اهلی‌سازی گیاه و دام و تولید غذا، مطالعه سیستم‌های استقرار یک‌جانشین و کوچ‌نشین، مطالعه روند تکامل سلسله‌مراتب و پیچیدگی‌های اجتماعی و غیره انجام گرفته است.

مهم‌ترین مطالعات گاه‌نگاری جنوب غربی ایران به‌وسیله باستان‌شناسان فرانسوی و آمریکایی انجام شده است. مدل گاه‌نگاری پژوهشگران فرانسوی یافته‌محور بوده و با تکیه بر لایه‌نگاری شوش ارائه شده است. در حالی که باستان‌شناسان آمریکایی که بیشتر پیرو مکاتب انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی هستند، گاه‌نگاری جنوب غربی ایران را براساس شواهد و مدارک مربوط به معیشت و سیستم‌های استقرار مطالعه کردند. فرانک هول باستان‌شناس آمریکایی بازه زمانی نوسنگی تا مس‌وسنگ پایانی (۸۰۰۰-۴۰۰۰ ق.م)، در منطقه غرب و جنوب غربی ایران را با عنوان دوره روستانشینی تعریف کرده و مورد بررسی قرار داده است. هول دوره روستانشینی را به چهار زیرگروه دوره‌های روستانشینی آغازین، قدیم، میانه و جدید تقسیم کرده است (جدول ۱) که در این فاصله زمانی حدود ۸۰۰۰ تا ۴۰۰۰ ق.م. شاهد رشد سریع جمعیت، برپایی و گسترش روستاهای یک‌جانشین، توسعه مؤثر کشاورزی و دامپروری، گسترش مبادلات تجاری، تخصصی‌تر شدن مشاغل، پیشرفت‌های فناوریانه در تولید ابزار و پیدایش پیچیدگی‌های اجتماعی در غرب ایران و آسیای جنوب غربی هستیم (هول، ۱۳۸۱: ۵۳).



جدول ۱) گاهنگاری نسبی دوره روستانشینی جنوب غرب ایران (هول، ۱۳۸۱).

دوره	دهلران	شوشان
دورهٔ پس از روستانشینی	اوروک قدیم	اوروک قدیم (۳۷۵۰-۳۵۰۰)
دورهٔ روستانشینی جدید	سرگراب شوش A	شوش A پایانی شوش A (۴۲۰۰-۴۰۰۰)
دورهٔ روستانشینی میانه	فرخ (۴۲۰۰-۴۴۰۰) بیات (۴۴۰۰-۴۶۰۰) مهمه (۴۶۰۰-۴۸۰۰)	شوش d (فاز چغامیش) شوشان c
دورهٔ روستانشینی قدیم	خزینه (۴۸۰۰-۵۰۰۰) سبز (۵۰۰۰-۵۲۰۰) CMT (۵۴۰۰-۵۲۰۰)	شوشان b (فاز جعفرآباد) شوشان a عتیق III
دورهٔ روستانشینی آغازین	سرخ (۵۴۰۰-۵۷۰۰) سفید (۵۷۰۰-۶۰۰۰) محمدجعفر (۶۰۰۰-۶۳۰۰)	عتیق II عتیق I
پیش از سفال	علی کش (۶۳۰۰-۶۷۰۰) بزمرد (۶۷۰۰-۷۵۰۰)	پیش از سفال

بیشترین اطلاعات ما از پیشینهٔ منسوجات حاصل از حفاری محوطه‌های دورهٔ روستانشینی از منطقهٔ دهلران و خوزستان است که عبارت‌اند از:

تپهٔ علی کش

در تپهٔ علی کش سه دورهٔ فرهنگی مشخص شده است که از قدیم به جدید با نام‌های: ۱- دورهٔ بزمرد (۷۵۰۰ تا ۶۷۵۰ ق.م.) ۲- دورهٔ علی کش (۶۷۵۰ تا ۶۰۰۰ ق.م.) ۳- دورهٔ محمدجعفر (۶۰۰۰ تا ۵۶۰۰)، نامیده شده‌اند (Hole, Flannery & Neely, 1969:34-49). از دورهٔ فرهنگی بزمرد نوعی حصیر با روش بافت یکی زیر، یکی رو به دست آمده است (Ibid:223). از دورهٔ فرهنگی علی کش در کنار تدفین‌های به دست آمده بقایای نوعی حصیر شناسایی شد که به نظر هنگام دفن، اجساد را در نوعی حصیر پیچیده و سپس آن‌ها را به صورت چمباتمه در چاله‌هایی در کف منازل مسکونی دفن می‌کردند (Hole, Flannery & Neely, 1969:248-253). از دورهٔ فرهنگی محمدجعفر در یکی از تدفین‌ها، نشانه‌هایی از یک سبد در کنار جسد به همراه هدایای تدفین به دست آمده است (Ibid:253-255).



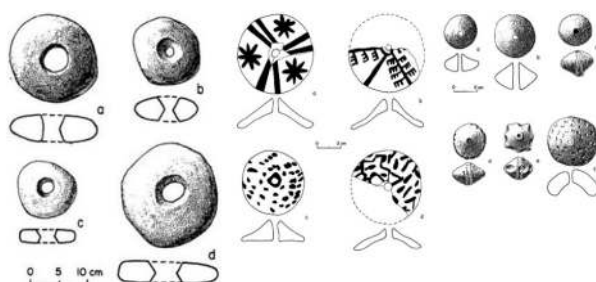
تپه سبز

تپه سبز، در جنوب غرب دهلران و ۱۶ کیلومتری شمال غرب تپه علی کش واقع شده است. این تپه برای نخستین بار توسط هیئت کاوش علی کش در سال ۱۹۶۱ میلادی مورد بررسی قرار گرفت و در سال ۱۹۶۳ م. حفاری شد (Hole, Flannery & Neely, 1969:50). محوطه به ترتیب از قدیم به جدید معرف چهار مرحله فرهنگی سبز، خزینه، مهمه و بیات و هم‌زمان با دوره روستانشینی قدیم و میانه است (Ibid:54). از دوره فرهنگی سبز بقایای حصیر و داده‌هایی چون درفش استخوانی، سردوک گلی ستاره‌ای شکل و سنگ وزنه (Ibid:55)، از دوره فرهنگی خزینه بقایای حصیر و سبد، از دوره فرهنگی مهمه سردوک‌های ستاره‌ای شکل، دیسک‌های سفالی، درفش و سوزن استخوانی (Ibid:61) و در نهایت از دوره فرهنگی بیات سردوک، درفش استخوانی و سنگ وزنه به دست آمده است (Ibid:64) (اشکال ۱۲، ۱۳ و ۱۴).



فصلنامه بنیان هنر
شماره چهارم
پاییز ۱۴۰۳

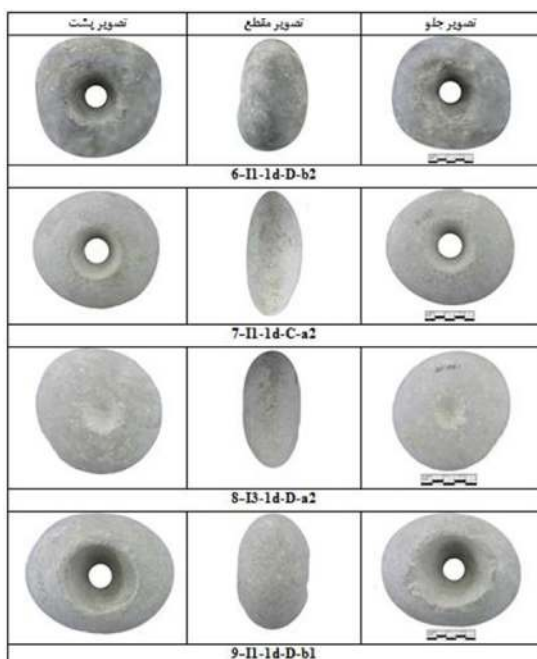
۱۹



- اشکال ۱۲ و ۱۳- راست و بالا: اثر حصیر بر روی گل، فاز مهمه، تپه سبز (Hole, Flannery & Neely, 1969:plate:37,39)
- شکل ۱۴- وزنه بافندگی و سردوک به دست آمده از محوطه تپه سبز (Hole, Flannery & Neely, 1969:197,208,209)

تپه جعفر آباد

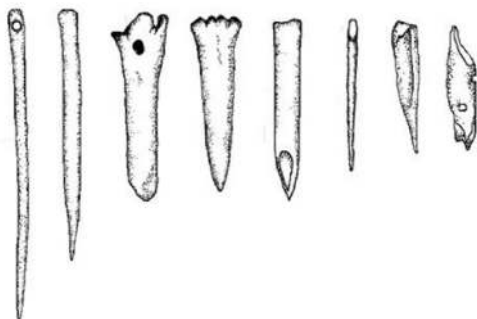
تپه جعفرآباد در هفت کیلومتری محوطه شوش واقع شده است. ژنویو دلفوس در فاصله بین سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ میلادی با تأکید بر ویژگی‌های معماری به حفاری محوطه پرداخت که در نتیجه آن سه دوره فرهنگی، پنج دوره ساختمانی و شش لایه استقرار مشخص شد (Dollfus, 1978: 141-167). در تپه جعفرآباد همانند اکثر محوطه‌های عصر مس و سنگ گونه‌های مختلف سردوک‌های سفالی (شکل ۱۵)، سنگ‌وزنه (شکل ۱۶)، سوزن و درفش‌های استخوانی (شکل ۱۷) به دست آمده است (طلایی، ۱۳۹۰: ۲۰۵-۲۰۶).



■ شکل ۱۶- سنگ وزنه به دست آمده از تپه جعفرآباد (موزه شوش ۱۳۹۴)



■ شکل ۱۵- سردوک گلی به دست آمده از تپه جعفرآباد (موزه شوش ۱۳۹۴)



■ شکل ۱۷- سوزن‌ها و درفش‌های استخوانی به دست آمده از محوط جعفرآباد (Dollfus, 1978).

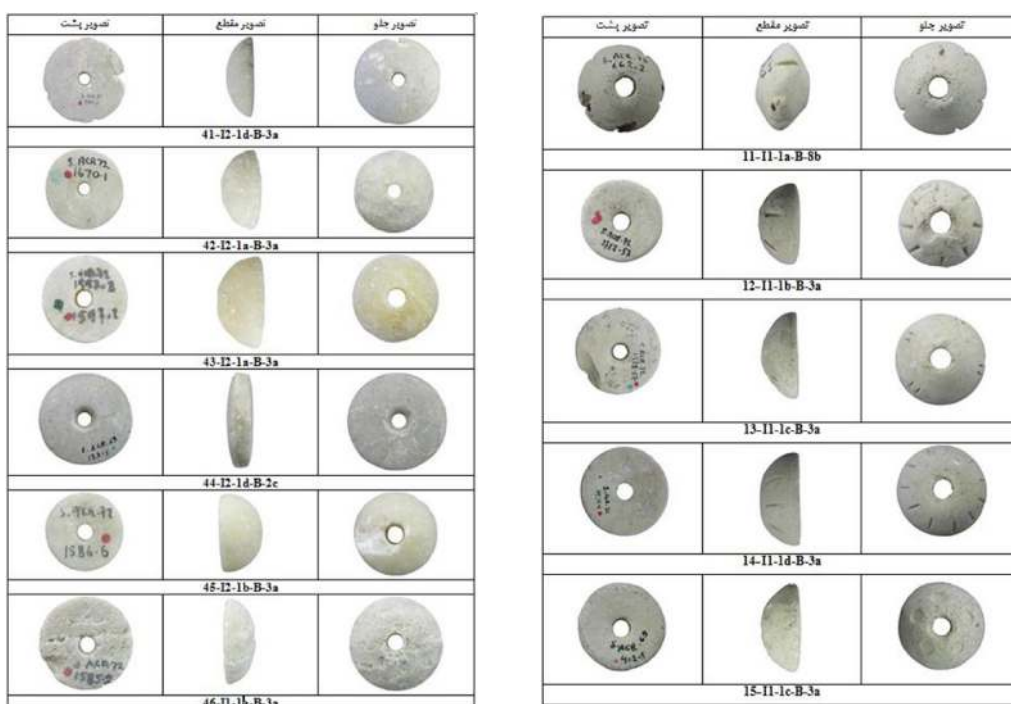


بررسی اشیاء مرتبط با
نساچی جنوب غرب
ایران در دوران
روستائینی

تپه شوش

کاوش در شوش از سال ۱۸۹۷ میلادی تا زمان انقلاب ایران به وسیله هیئت باستان‌شناسی فرانسه انجام شد که نتیجه آن حفاری تا سطح خاک بکر و مشخص شدن ۲۷ لایه استقرار بود. در تقسیم‌بندی کارتر شوش I تا III همزمان با دوره روستانشینی و دوره اوروک در بین‌النهرین شناخته می‌شود (Le Brun, 1978: 177-192).

از کاوش محوطه شوش و تپه آکروپل تعداد قابل توجهی سردوک‌های سنگی و سفالی (شکل ۱۸)، قرقره بافندگی و دیسک‌های سنگی حفره‌دار و همچنین سوزن‌ها و درفش‌های استخوانی به دست آمده است.



■ شکل ۱۸- سردوک در اشکال مختلف به دست آمده از شوش (موزه شوش ۱۳۹۴).

تپه چغامیش

تپه چغامیش در جنوب شرقی دزفول و شمال شرق شوش قرار دارد که شامل دو پشته، تخت در قسمت جنوب و بلند در قسمت شمال است. طی یازده فصل کاوش در این محوطه آثاری از دوره سوزیانای عتیق تا هخامنشی در چغامیش شناسایی شده است (De loughaz & Kantor, 1996).

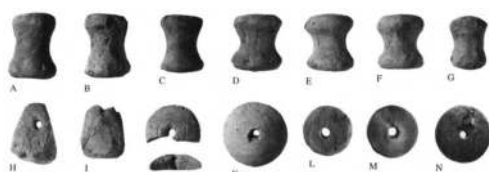
اشیاء مرتبط با نساجی به دست آمده از چغامیش شامل دیسک‌های سنگی، سردوک، قرقره‌های گلی، درفش و سوزن استخوانی است. دیسک‌های سنگی حفره‌دار از سنگ‌های نسبتاً تخت کف



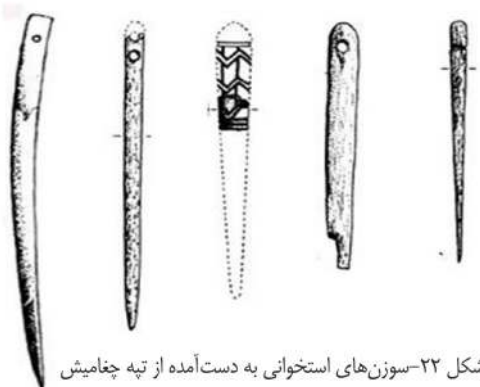
رودخانه است که در لبه آن‌ها هیچ اثر ساییدگی و یا کوبیدگی وجود ندارد و با سوراخ‌هایی که در مرکز آن به وجود آمده، به نظر می‌رسد به عنوان سنگ وزنه استفاده می‌شد.

سردوک‌ها از قطعات شکسته سفال و گل پخته درست شده‌اند که قطر آن‌ها بین ۳ تا ۱۳ سانتی‌متر با سوراخی به قطر بین ۱ تا ۲ سانتی‌متر است. سردوک‌ها در اشکال مختلف تخت، هرمی، مخروطی با سر مقعر، مخروطی با سر مقعر و لبه نیشگونی، مخروطی توپُر و توخالی، دو مخروطه و مهره‌ای ساخته شده است. در دوره سوزیانای قدیم سردوک‌های مخروطی با سر مقعر و لبه نیشگونی و در دوره سوزیانای میانه سردوک مخروطی توپُر و توخالی و در دوره سوزیانای جدید سردوک‌های مهره‌ای شکل از سایر انواع متداول‌تر بودند. سردوک‌ها در دو نوع ساده و منقوش با نقوش خطی به دست آمده است (De lougaz & Kantor, 1996) (شکل ۱۹). از دیگر اشیاء گلی می‌توان به قرقره‌های سفالی اشاره کرد. تعداد یازده قرقره با وزن بین ۵۰ تا ۱۰۰ گرم، حداکثر قطر بین ۴ تا ۶ و حداکثر ارتفاع بین ۲٫۵ تا ۵ از کاوش محوطه به دست آمد (شکل ۲۰). همچنین از استخوان غزال، بز و گوسفند برای ساختن اشیایی مانند درفش و سوزن استفاده می‌شده است (De lougaz, 1952: 253-254) (اشکال ۲۲ و ۲۱).

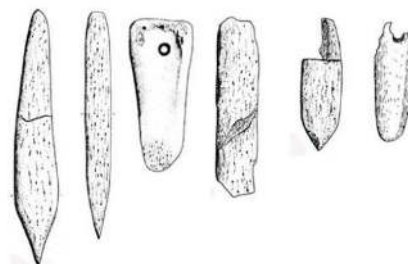
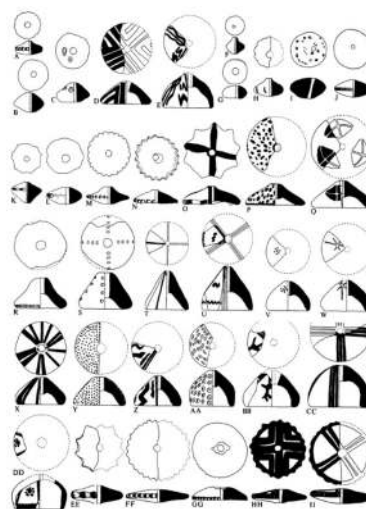
■ شکل ۱۹- سردوک در اشکال مختلف به دست آمده از چغامیش
(De lougaz & Kantor, 1996- plate: 232).



■ شکل ۲۰- قرقره گلی و سردوک به دست آمده از چغامیش
(De lougaz & Kantor, 1996- plate: 30).



■ شکل ۲۲- سوزن‌های استخوانی به دست آمده از تپه چغامیش
(De lougaz & Kantor, 1996- plate: 128).



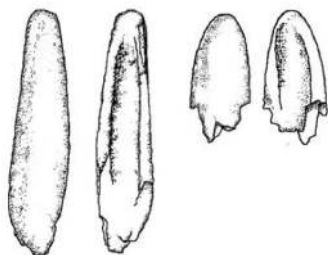
■ شکل ۲۱- درفش و ابزار پودکشی از استخوان به دست آمده از تپه چغامیش
(De lougaz & Kantor, 1996- plate: 128).



بررسی اشیاء مرتبط با
نساچی جنوب غرب
ایران در دوران
روستائشینی



تپه بندپال



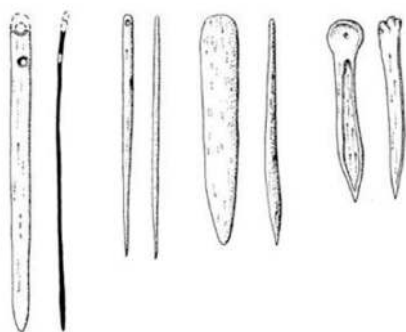
■ شکل ۲۳- ابزار پودکشی از استخوان به دست آمده از تپه بندپال (Dollfus, 1978).

تپه بندپال در شمال تپه جعفرآباد و شمال شرق تپه جوی واقع شده که دارای ۱۲ متر لایه باستانی است (Dollfus, 1978: 141-167). از محوطه ابزار استخوانی (شکل ۲۳)، دیسک‌های سنگی حفره‌دار و سردوک‌های سفالی ساده و منقوش مرتبط با تولید منسوجات به دست آمده است (طلایی، ۱۳۹۰: ۲۰۸).

تپه جوی

تپه جوی در شمال تپه جعفرآباد واقع شده که دارای هفده لایه استقرار معرفی دوره مس و سنگ است (Dollfus, 1978). آثار مرتبط با نساجی به دست آمده از تپه جوی شامل سردوک‌های سفالی ساده و منقوش و سنگ وزنه است (طلایی، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

تپه چغابنوت



■ شکل ۲۴ سوزن و درفش‌های استخوانی به دست آمده از تپه چغابنوت (Alizadeh, 1977).

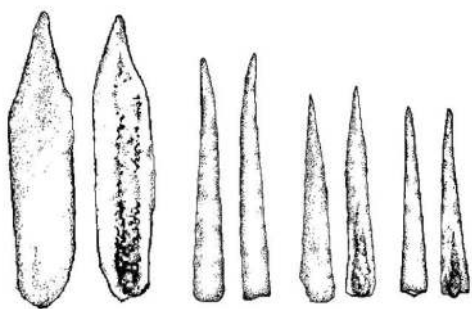
چغابنوت تپه کوچکی در شش کیلومتری غرب چغامیش است. ژتون گلی با اثر حصیر و پارچه، سردوک‌های سفالی، درفش و سوزن‌های استخوانی (شکل ۲۴) و سنگ وزنه از ابزار مرتبط با نساجی به دست آمده از این تپه است (ملک شه میرزادی، ۱۳۹۱: ۲۰۷).

تپه فروخ آباد

تپه فروخ آباد با ارتفاع حدود ۲۵ متر بالاتر از سطح زمین‌های اطراف در کنار رودخانه مهمه در منطقه دهلران واقع شده است. این محوطه اولین بار توسط گوتیر و لامپر در سال ۱۹۰۳ میلادی با حفر گمانه‌ای مورد کاوش قرار گرفت و مجدداً در سال ۱۹۶۱ میلادی مورد بازدید قرار گرفته و از سطح آن سفال‌هایی معرفی دوره‌های خزینه، مهمه و بیات جمع‌آوری گردید (Neely & Wright, 1994: 97-99). از محوطه، ابزار نساجی از جمله سردوک‌های سفالی و همچنین سنگ وزنه به دست آمده است.

تپه چغاسفید

محوطه چغاسفید شامل دوره‌های سبز، خزینه و مهمه است. از این محوطه سردوک سفالی با تزیین مخطط، سوزن و درفش‌های استخوانی (شکل ۲۵)، سنگ وزنه و قطعات شکسته سفال با سوراخ



(دیسک سفالی) به دست آمده است که به نظر می‌رسد به عنوان وزنه تولید منسوجات مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (Neely & Wright, 1994:73)

■ شکل ۲۵- درفش و ابزار بودکشی استخوانی به دست آمده تپه چغاسفید (Neely & Wright, 1994)

نقش منسوجات در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی

یافته‌های باستان‌شناسی به دست آمده از کاوش‌های جنوب غربی ایران، این نظریه را که "تنوع در تولیدات نساجی می‌تواند منعکس‌کننده تغییر در ساختار اجتماعی باشد" تقویت می‌کند. تولید صنایع دستی به اوضاع اجتماعی و اقتصادی که بستر اصلی تولید است، بستگی دارد. این بستر عامل اصلی تمایز بین متخصصان مستقل و وابسته است. متخصصان مستقل، صنایع دستی و منسوجات خود را صرفاً برای مصرف نامحدود محلی در کارگاه‌هایی نسبتاً کوچک تولید می‌کنند (Costin, 1991:9-11)؛ نمونه ساده و ابتدایی این گروه در دوره روستائیشینی، دسته‌های کوچکی از ریسندگان و بافندگان هستند که نیروی کار آن عمدتاً از زنان و کودکان تشکیل می‌شده و به امر تولید منسوجات می‌پرداختند. این تولیدات بیشتر برای مصارف شخصی و قبیله‌ای بود.

در حالی که متخصصان وابسته، به تولید کالا برای نخبگان و یا نهادهای متمرکز اجتماعی می‌پردازند. این نهادها فضای کار، مواد اولیه و ابزار مناسب را برای تولید صنایع دستی به متخصصان ارائه می‌دهند. در نتیجه صنایع دستی تولیدشده به طور کامل به اشخاصی تعلق می‌یابد که منابع اولیه را برای متخصص فراهم می‌کنند (Brumfiel and Earle, 1987:5). با افزایش جمعیت تلاش‌های بیشتری برای به کارگیری نیروی انسانی انجام شد. سازماندهی نیروی کار، ایجاد کارگاه‌های تخصصی و شکل‌گیری گروه‌های تخصصی چون نمدالان، ریسندگان و بافندگان که بنا بر منابع مکتوب دوره سوم اوروک، نشان‌دهنده سلسله‌مراتب اجتماعی است، موجب رشد مبادلات بین منطقه‌ای و شکل‌گیری نظام ثبت و ضبط در تجارت شد (سیدسجادی، ۱۳۸۹: ۱۵۷-۱۶۷).

یافته‌های باستان‌شناسی در مقایسه با اسناد و مدارک تاریخی، گویای این موضوع است که تولیدات نساجی، دارای کاربردهای متعددی در زندگی شخصی (پوشاک)، ذخیره‌سازی (سبد و کیسه) و معماری (کف‌پوش، سایبان و حصار) است. همچنین منسوجات و کاربرد آن‌ها ممکن است نقشی بیشتر از رفع نیازهای زندگی روزانه ایفا کرده و به عنوان اشیایی با کاربردهای آیینی و دینی در



بررسی اشیاء مرتبط با
نساجی جنوب غرب
ایران در دوران
روستائیشینی

جوامع باستانی مورد استفاده قرار گرفته باشند.

از یافته‌های به‌دست‌آمده از جنوب غربی ایران که به چگونگی ریسندگی و پردازش الیاف اشاره دارد، می‌توان به اثر مهرهای به‌دست‌آمده از چغامیش (اشکال ۸ و ۹) و نقش شاهزاده عیلامی به‌دست‌آمده از شوش (شکل ۱۱) اشاره کرد. به استناد این تصاویر سردوک‌ها برای ریسندگی الیاف در حالت تعلیق مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. استفاده از سردوک‌های نخ‌ریسی در ابعاد و اشکال متفاوت در میان جوامع دوران روستانشینی با موضوعات متعددی مانند استفاده از الیاف متفاوت، تولید نخ‌های مختلف با کیفیت‌های متفاوت، فن‌های مختلف ریسندگی و... مرتبط است.

گونه‌های متفاوت وزنه‌های تولید منسوجات از نظر ریخت‌شناسی و وزنی به تولید پارچه‌هایی با کیفیت‌های مختلف با استفاده از الیاف با ویژگی‌های متفاوت اشاره دارد. این تنوع در وزنه‌ها و سردوک‌ها نشان‌دهنده تنوع تولید محصولات نساجی در دوره روستانشینی جنوب غرب ایران است. با وجود کثرت وزنه‌های سالم و شکسته به‌دست‌آمده از بافت استقرار، الگوی شکستگی و سایشی حفره دیسک‌های سنگی و همچنین شواهد قوم‌باستان‌شناسی به فرضیه کاربرد وزنه‌های بافندگی در دار بافندگی عمودی صحنه می‌گذارد.

تنوع تولید منسوجات بر اساس تنوع ابزار ریسندگی و بافندگی، استفاده از منسوجات و بافته تنها در تعداد اندکی از قبور محوطه علی‌کش، به‌دست آمدن ابزارهای مرتبط با نساجی در ساختمان سوخته چغامیش نشان از اهمیت منسوجات در تراز اجتماعی جامعه آن زمان دارد.



نتیجه گیری

یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به تولید منسوجات در سراسر سه دوره روستانشینی به فراوانی از محوطه‌های جنوب غربی ایران به دست آمده است. بیشتر این یافته‌ها مربوط به دوک‌های نخریسی، وزنه‌های بافندگی، سوزن‌ها و درفش‌های استخوانی است. ابزار نساجی مورد مطالعه در این پژوهش مطمئناً تمامی ابزار مورد استفاده در دوره روستانشینی نیستند، اما سعی بر آن شده تا اکثر یافته‌های به دست آمده و منتشر شده مورد مطالعه قرار بگیرد. ابزارهای نساجی در تمامی محوطه‌های اشاره شده از بافت مسکونی و قبور به دست آمده که نشان از فعالیت درون‌زا در استقرارهای منطقه است. به دلیل محدودیت‌های کاوش در این محوطه‌ها نمی‌توان درباره فعالیت تخصصی نساجی از نظر کمی نظری ارائه داد، اما تنوع داده‌های نساجی به دست آمده خصوصاً در سردوک‌ها نشان از فعالیتی تخصصی دارد. سردوک‌های به دست آمده از محوطه‌های جعفرآباد، شوش و چغامیش در فرم، ابعاد، اندازه و تزئین دارای تنوع بسیاری است. این تنوع در مطالعات قوم‌باستان‌شناسی نشان از تولید انواع مختلف رشته نخ برای بافندگی است. با آنکه از دوره روستانشینی آغازین به بعد فعالیت‌های داد و ستد در منطقه جنوب غربی ایران رواج می‌یابد، می‌توان این تنوع در ابزارهای تولیدی و محصولات نهایی را نشان از ارتباط و کنش فرهنگی و اقتصادی دانست. در دوره‌های بعدی روستانشینی وجود اشیاء مرتبط با نساجی در قبور، سلسله‌مراتب اجتماعی و گروه متخصصان را بیشتر نشان می‌دهد.



بررسی اشیاء مرتبط با
نساجی جنوب غرب
ایران در دوران
روستانشینی



- ۱- بیک محمدی، خلیل الله، سعید مرجانی و زینب احمد یوسفی سرحدی. (۱۳۹۹). نخریسی، نمودی از مولفه‌های اقتصادی معیشتی درون‌زای جوامع نیمه یک‌جانشین رمه‌دار (مطالعه موردی: سردوک‌های مکشوف از کاوش تپه پشت فرودگاه). نشریه مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۱۱، سال چهارم، صص: ۷-۲۶.
- ۲- حصاری، مرتضی، مصیب امیری، مجید محمدیارلو و خلیل الله بیک محمدی. (۱۳۹۲). بررسی، طبقه‌بندی و مقایسه سردوک‌های دوره مس-سنگی چارآرو (حوضه رودخانه سیمره، لرستان). پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۳، شماره ۴، صص ۷۷-۹۶.
- ۳- سیدسجادی، سید منصور. (۱۳۸۹). نخستین شهرهای فلات ایران. تهران: انتشارات سمت.
- ۴- طالب پور، فریده. (۱۳۸۶). تاریخ پارچه و نساجی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- ۵- طلایی، حسن. (۱۳۹۰). ایران پیش از تاریخ: عصر مس سنگی. تهران: انتشارات سمت.
- ۶- غیبی، مهرآسا. (۱۳۸۷). تاریخ پوشاک اقوام ایرانی. تهران: انتشارات هیرمند.
- ۷- ملک شه‌میرزادی، صادق. (۱۳۹۱). ایران در پیش از تاریخ (باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی). تهران: انتشارات سبحان نور.
- ۸- هول، فرانک. (۱۳۸۱). باستان‌شناسی دوره روستائینی، در باستان‌شناسی غرب ایران. به کوشش فرانک هول. ترجمه زهرا باستی. تهران: انتشارات سمت.
- ۹- واندنبرگ، لوئی. (۱۳۹۷). نقش برجسته‌های صخره‌ای ایران باستان. ترجمه حسن کهنسال و ستاره صفا. رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- ۱۰- وولف، هانس‌ای. (۱۳۷۲). صنایع دستی کهن ایران. ترجمه سیروس ابراهیم زاده. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

11. Adovasio, James M. (1977). "The textile and basketry impressions from Jarmo". *Paleorient* Vol. 3, pp: 223-230
12. Albenda, Pauline (2005). *Ornamental Wall Painting in the Art of the Assyrian Empire*. Leiden and Boston: Brill/Styx
13. Alfaro, Carmen. (2002). *Étoffes cordées du site néolithique de Tell Halula (Syrie VIIIe millénaire avant J. C.)*. *Bulletin du CIETA* 79, pp:17-25
14. Alizadeh, Abbas. (1977). " Iranian Prehistoric Project" *The Oriental Institute 1996-1997 Annual Report*, The Oriental Institute of the University of Chicago.
15. Andersson, Eva. (2014). "Sheep, Wool and Textile Production. An Interdisciplinary Approach to the Complexity of Wool Working" IN *Wool Economy in the Ancient Near East and the Aegean*. Edited by: Catherine Breniquet and Cécile Michel. *Ancient Textiles Series* Vol. 17. pp: 41-51
16. Barber, Elizabeth J. Wayland. (1991). *Prehistoric Textiles*. Princeton University Press: Princeton
17. Barber, Elizabeth J. Wayland. (1999). *The Mummies of Urumchi*. New York: W.W. Norton and Company, Inc
18. Bier, Carol (1995). "Textile Arts in Ancient Western Asia". In: J. Sasson and K. Rubinson (eds.), *Civilizations of the Ancient Near East*, New York, pp.1567-1588
19. Breniquet, Catherine. (2014). "The Archaeology of Wool in Early Mesopotamia: Sources, Methods, Perspectives". IN *Wool Economy in the Ancient Near East and the Aegean*. Edited by: Catherine Breniquet and Cécile Michel. *Ancient Textiles Series* Vol. 17. pp: 52-78
20. Brumfiel, Elizabeth.M and Timothy K. Earle. (1987). *Specialization Exchange, and Complex Societies*. Cambridge university press.
21. Burnham, Harold B. (1965). "Catal Huyuk - the textiles and twine fabrics". *Anatolian Studies* Vol. 15, pp: 169-174
22. Chase, Arlen F., Diane Z. Chase, Elayne Zorn, and Wendy Teeter (2008) *Textiles and the Maya Archaeological Record*. *Ancient Mesoamerica*, Vol. 19. pp: 127-142
23. Chmielewski.T, Gardyński.L (2010), New frames of archaeometrical description of spindle whorls: a case study of the late Eneolithic spindle whorls from the 1C site in Gródek, district of Hrubieszów, Poland, in *Archaeometry*, Vol. 52, 5, pp: 869–881





24. Costin, Cathy Lynne. (1991). Craft Specialization: Issue in Defining, Documenting, and Explaining the Organization of Production. In Michael B. Schiffer (ed.) *Archaeological Method and Theory*, pp: 1-56. Tuscon: University of Arizona Press
25. De lougaz, Pinhas. (1952). Pottery from the Diyala Region., Oriental Institute Publications, Vol. 63, University of Chicago Press, Chicago., pp: 3-4
26. De lougaz, Pinhas and Helene J. Kantor. (1996). Chogha Mish, Volume I: The First Five Seasons of Excavations 1961-1971., Part I: Text, Part II: Plates. Edited by Abbas Alizadeh., Oriental Institute Publications, Volume 101. The Oriental Institute of the University of Chicago, Chicago
27. Dercksen, Jan Gerrit. (2014). "The Old Assyrian Trade and its Participants". In: *Documentary Sources in Ancient Near Eastern and Greco-Roman Economic History Methodology and Practice*. edited by Heather D. Baker and Michael Jursa. OXBOW BOOKS
28. Dollfus, Genevieve. (1978). " Djaffarabad, Djowi, Bendebal "; al: contribution à l'etude de la Susiane au Ve millenaire et au debut du Ive millenaire. *Paleorient* 4, pp: 141-167
29. Fischer, M. Peter (2008), Tell Abu al-Kharaz in the Jordan Valley. Volume I: the early bronz age. Volume XVI, sterreichische Akademie der Wissenschaften, Wien
30. Gleba. Margarita. (2011), *Textiles Studies: Sources A-D Methods*, University College London
31. Good, Irene. (1999). *The Ecology of Exchange: Textiles from Shahr-I Sokhta, Eastern Iran*. Ph.D. diss., University of Pennsylvania
32. Helbaek, Hans (1963). "Textiles from Catal Huyuk". *Archaeology*, Vol. 16(1), pp: 39-46
33. Hoffman, M. (1964). *The Warp-Weighted Loom- Studies in the History and Technology of an Ancient Implement*, Oslo
34. Hole, Frank, Kent V. Flannery and James A. Neely. (1969). *Prehistory and Human Ecology of Deh Luran Plain*. University of Michigan Press
35. Romina Laurito, Cristina Lemorini and Assunta Perilli. (2014). Making Textiles at Arslantepe, Turkey, in the 4th and 3rd Millennia BC. *Archaeological Data and Experimental Archaeology*. IN *Wool Economy in the Ancient Near East and the Aegean*. Edited by: Catherine Breniquet and Cécile Michel. *Ancient Textiles Series* Vol. 17. pp: 151-168
36. Le Brun, Alain. (1978), Suse, Chantier " Acropole I". *Paleorient* Vol.4. PP: 177-192
37. Mårtensson, Linda, Marie-Louie Nosch and Eva Andersson Strand (2009) Shape of Things: Understanding a Loom Weight. *Oxford Journal of Archaeology*, Vol. 28(4), pp: 373-398
38. Mazăre, Paula. (2013). Interpretări funcționale ale greutăților din lut ars, in *Annales Universitatis Apulensis. Series Historica*, 17/2, pp:27-67